

ایدهٔ ایران‌مرد



زهرا طیبی خبرنگار گروه سیاست

یک بچه روستایی ساده که تا سال‌های منتهی به انقلاب حتی امام خمینی را هم نمی‌شناخت، اما نشد در کارش نبود. استاد مواجهه با بحران‌ها و تبدیل آن‌ها به فرصت بود. حتی در سنین کودکی هم این اخلاق را داشت. نوجوان ده یازده ساله‌ای که برای دادن قرض پدرش راهی شهر شد تا به هر قیمتی شده کار پیدا کند و نهایتاً هم موفق شد. بعد از انقلاب به سپاه پاسداران پیوست و در جنگ فرمانده شد؛ پس از جنگ به نبرد با اشرار جنوب شرق رفت و پس از آن به فرماندهی نیروی قدس رسید تا تبدیل به فرماندهی شود که یک‌تنه معادلات منطقه‌ای را تنظیم می‌کند. حاج‌قاسم سلیمانی شبیه هیچ‌کدام از کلیشه‌های ژنرال‌های بزرگ تاریخ نبود. جوانی روستایی اما زحمتکش که در دل حوادث با امام خمینی آشنا شده بود و در موج انقلاب افتاده بود، اما از هیچ بحرانی نمی‌ترسید و از آنها فرصت می‌ساخت. به‌خاطر همین ویژگی خاص بود که میدان باخته سوریه را تبدیل به میدان بازی ایران کرد. به‌خاطر همین ویژگی خاص بود که توانست ناآرامی‌های مرزی را کنترل کند. کتاب «قاسم» نوشته مرتضی سرهنگی همین روایت را بیان می‌کند و تصویری بدون بیرون‌زدگی و اغراق از حاج‌قاسم سلیمانی را ارائه می‌کند. تصویری که مخاطب را به این نتیجه می‌رساند که چرا سردار سلیمانی در دل مردم ایران جای گرفت و شهادتش جمعی میلیونی را به خیابان‌ها آورد.

ناجوانی بی‌ادعا و جوانمرد

حاج‌قاسم حتی پس از آنکه فرمانده سپاه قدس شد و رسانه‌ها و مردم عادی هم او را شناختند، مدام به این واژه تأکید می‌کرد که یک بچه روستایی است. حاج‌قاسم



دقائق گفتمانی مکتب سلیمانی شامل توأمان بودن عقلانیت و شجاعت کارآمدی و انقلابی‌گری، تکثرپذیری و ولایت‌مداری چارهٔ کار ایران ۱۴۰۴ است

ایدهٔ ایران‌مرد

این را نه نشانه تحقیر که افتخاری برای خودش می‌دانست. نوجوانی ده‌یازده ساله که بدهکاری پدرش، او و برادرش را برای اولین بار راهی شهر می‌کند و به‌قول پدر همین اتفاق، جوانمردی زحمتکش از او می‌سازد. مواجهه‌اش با جریان انقلاب نیز چندان عجیب نیست. اولین بار هم‌کلاسی‌اش تصویری واقعی از اقدامات شاه به او می‌دهد و به قول خودش ششده‌اش می‌شود تا پیش از آن شناخت درستی از مخالفت با شاه نداشت. پس از آن مبارزه را به سبک و سیاق خودش علیه شاه شروع می‌کند. اولین آن هم مخالفت با برگزاری سیرکی بود که در شهر با حضور خوانندگان زن برگزار می‌شد و جمع دوستان در درگیری با خودشان به این فکر می‌کردند که چگونه این جمعیت را به‌هم بزنند و نهایتاً هم برای آنکه به مردم آسیبی نرسد به پنجر کردن چرخ‌دوچرخه‌ها اکتفا می‌کنند. تاآن موقع حاج‌قاسم شناخت دقیقی از امام نداشت، حتی عکس او را هم ندیده‌بود، اما روزی که یکی از دوستانش عکس امام را به او نشان می‌دهد، تازه آنجا با امام آشنا می‌شود. حاج‌قاسم در کنار موجی از جوانانی که امام شوری در آنان ایجاد کرده بود پیش به انقلاب باز شد.

در کتاب، قاسم سلیمانی اینگونه روایت شده است:

تو به درد این کار نمی‌خوری

توی اتاق مصاحبه، مسئول گزینش را غلامرضا صدا می‌کردند. رفم را گرفت. قبل از آنکه فرم را ببیند، سر تا پایم را برانداز کرد. معذب شدم. گفت: «با پیراهن آستین‌کوتاه تنگ و کمربند پهن و این موهای فرقی بلند آمده‌ای سپاهی شوی؟ برو تو به درد این کار نمی‌خوری.» حاج‌قاسم در ظاهر هم شبیه آن تصویری که از انقلابی مذهبی اوایل انقلاب وجود داشت، نبود. شنیده بود امام فرمان تأسیس سپاه پاسداران را داده و به این خاطر که دیده بود آن‌هایی که امام و انقلاب را دوست دارند، جذب سپاه شده‌اند، دوست داشت عضو سپاه شود. اما مسئول گزینش بار اول او را تنها به‌خاطر ظاهرش رد می‌کند. البته بار دوم که برای گزینش به سپاه کرمان می‌رود، تغییراتی در ظاهرش می‌دهد و به‌عنوان پاسدار افتخاری جذب سپاه می‌شود و یک سال نشده عضو رسمی سپاه می‌شود. اولین مأموریتش هم حراست از فرودگاه کرمان بود. جنگ که شروع می‌شود، تنها مأموریتش می‌شود جنگ با عراق و ۲۳ تیرماه ۶۰، حاج‌قاسم با نیروهای آموزش دیده به حمیدیه می‌روند و به نیروهای کرمان ملحق می‌شوند.

ماجرای درست‌کردن یک تیپ

«قاسم می‌خواهم یک تیپ درست کنی. می‌توانی؟» این جمله را حسن باقری خطاب به حاج‌قاسم می‌گوید. او هم بدون معطلی می‌پذیرد. مأموریتش در همکاری با باقری از اینجا شروع می‌شود. کتاب ماجرا را این‌طور روایت می‌کند که قاسم می‌خواست کاری کند که حسن باقری بگوید، چه انتخابی کرده و نمی‌خواست او را ناامید کند. تیپ ۴۱ ثارالله بالاخره درست می‌شود. قاسم با همین تیپ در عملیات فتح‌المبین شرکت کرد و به دستور حسن باقری تنگه ابوغریب را گرفتند. کتاب «قاسم» ماجرا را این‌طور روایت کرده: «خوشحال بودم زمین‌های شمال خوزستان را از عراقی‌ها گرفته بودیم. هنوز عرمان خشک نشده بود که حسن باقری پیام داد بروم گلف. راه اقدام. تازه توی مسیر فهمیدم چقدر زمین از عراقی‌ها پس گرفته‌ایم. تکه‌های روشن این خاک را می‌دیدم و سرم بالا بود. حتی خشک‌ترین قسمت‌های خاک هم برایم مثل بهترین منظره‌ها بود. تا خود گلف به این چشم اندازه‌ها نگاه کردم و لذت بردم.»

محافظت از مقاومت در افغانستان

وقتی آقا رحیم صفوی گفت می‌خواهم تو را فرمانده قدس کنم، اول زیر بار نرفتم. خودش تازه فرمانده کل سپاه پاسداران شده بود. گفتم آقا رحیم، این همه آدم بهتر و باتجربه‌تر از من هستند، اما او قانعم کرد که باید این مسئولیت مهم را بپذیرم. گفت خودم روی این مسئله فکر کرده‌ام و آن را به آقای خامنه‌ای هم گفتم‌ام. ایشان هم استقبال کردند. گفتند توی جنوب شرق خوب کار کردی، با دیپلماسی و مذاکره و عملیات کارت را پیش بردی. مأموریت‌های برون‌مرزی

دربارهٔ چند اقدام مثبت رئیس‌جمهور دربارهٔ اعتراضات، بودجه و...

پزشکیان، روحانی نیست



علی مژزوعی خبرنگار گروه سیاست

پس از تجمعات کسبه بازار که به افزایش قیمت ارز معترض بودند، دولت اقداماتی انجام داد که نشان‌دهنده وجود عز می برای جلب رضایت مردم است. این اقدامات شامل پذیرفتن مسئولیت، دیدار با نمایندگان اصناف و در دستور کار قرار دادن برخی تغییرات در برنامه بودجه و همچنین مدیران دولتی بود. چنین رویکردی نشان می‌دهد رئیس دولت چهاردهم خود را در وسط میدان قرار داده و قصد انکار مسئله را ندارد. این شیوه برخورد اگر در دهه ۹۰ نیز در پیش گرفته می‌شد و مقامات مسئول خود را به بی‌خبری از تغییرات زنده و صبح جمعه تازه از مسکنله مطلع نمی‌شدند، می‌توانست از عسودت و ناراضایی اجتماعی مکرر مردم جلوگیری کند. این اقدامات اولیه دولت تصویری از مسئولیت‌پذیری را ترسیم می‌کند که می‌تواند پایه‌ای برای اعتمادسازی باشد. چنین اقداماتی باید مداومت داشته و با نگاهی مقطعی در ادامه کنار گذاشته نشود.

رئیس‌جمهور مسئولیت ماجرا را پذیرفت

رئیس‌جمهور روز سه‌شنبه طی توییتی به اعتراضات جامعه واکنش نشان داد و از در دستور کار قرار داشتن اقدامات اساسی برای اصلاح نظام پولی و بانکی برای حفظ قدرت خرید مردم خبر داد. پزشکیان طی همین توییت اعلام کرد به وزیر کشور مأموریت داده است تا از مسیر گفت‌وگو با نمایندگان معترضان، مطالبات بر حق آن‌ها را بشنود. پزشکیان این اقدامات را مقدمه‌ای برای این دانست که «دولت با تمام توان برای رفع مشکلات و پاسخگویی مسئولانه عمل کند.» با اعلام اقدامات اساسی برای اصلاح نظام پولی و بانکی، دولت سیگنالی ارسال می‌کند که مشکلات ساختاری مانند تورم و کاهش قدرت خرید، در اولویت قرار دارند. مأموریت به وزیر کشور برای گفت‌وگو با نمایندگان معترضان نیز رویکردی را برجسته می‌کند که به‌جای مواجهه سخت‌ و انکار، بر شنیدن مطالبات تمرکز دارد. خود پزشکیان نیز در ادامه به همراه وزیر اقتصاد و همچنین عبدالناصر همتی، رئیس جدید بانک مرکزی در جلسه با اصناف حاضر شد. این حضور و دیدار مستقیم،

سپاه هم این دو ویژگی را می‌خواهد. ۱۵ بهمن ۷۶، حاج‌قاسم حکم فرماندهی نیروی قدس را از رهبر انقلاب می‌گیرد و رسماً کارش را شروع می‌کند. اتفاقی که در بوسنی افتاد، اولین مأموریت نیروی قدس سپاه بود. هنوز از بوسنی فارغ نشده، افغانستان به‌هم می‌ریزد. قاسم ماجرای حضور ایران در افغانستان را این‌طور روایت می‌کند: «وقتی کابل سقوط کرد، بچه‌های ماکمک کردند سران مجاهدین، احمد شاه مسعود و ربانی از شهر خارج شوند.» رفت‌وآمد چندباره به افغانستان پس از این جریانات شروع می‌شود، اما بیشتر جلسات هماهنگی با گروه‌های مجاهد شیعه افغانستان در تاجیکستان و ایران برگزار می‌شد.

در جریان همین درگیری‌ها و محاصره شدن احمد شاه مسعود، حاج‌قاسم عملیاتی برای شکستن محاصره و نجات مقاومت طراحی می‌کند. کتاب ماجرا را این‌طور روایت کرده: «ساعت ۸ صبح راه اقدام به‌طرف افغانستان. با خودم می‌گفتم نباید بگذاریم این بچه‌ها محاصره شوند. احمد شاه مسعود به دره پنجشیر عقب‌نشینی کرده بود و طالبان هم می‌خواستند با ورود به دره، پیروزی کامل خود را اعلام کنند. تا رسیدیم، دیدم اوضاع وخیم است. وضعیت دره را بررسی کردم و ساعت ۲ بعدازظهر با تلفن ماهواره‌ای از پنجشیر با حسن پلارک تماس گرفتم و گفتم حسن امشب دو آتشبار توپخانه را به دره پنجشیر بفرست. می‌دانستم درخواستم سنگین است، اما چاره‌ای نبود. اگر این دو آتشبار توپخانه، یعنی ۱۲ قبضه توپ نمی‌رسید، کار مقاومت تمام بود. هر قبضه حداقل ۵۰ گلوله، قطعات پدکی و نیرو نیاز داشت... همان شب توپ‌ها رسید پنجشیر. وقتی با هماهنگی احمد شاه مسعود، دستور شلیک را دادم، به یک ساعت تکشید آتش بر حجم توپخانه ما تار و پود سازمان طالبان را از هم پاشید و جنگ مغلو به شد.» همین مواجهه با گروه‌های مقاومت بود که مناسبات منطقه را دفعتاً و به‌تدریج به زیان آمریکا تغییر داد.

میدان بازی سوریه

شروع بحران سوریه مأموریت عجیب و بزرگی برای حاج‌قاسم بود. بحرانی که قرار بود کل مناسبات منطقه را به زیان ایران تغییر دهد به عکس خود تبدیل شد و سوریه را به زمین بازی ایران تبدیل کرد. حاج‌قاسم درست وقتی وارد ماجرای سوریه شد که کمتر کسی تصور می‌کرد ورود به این ماجرا برای ایران مثبت باشد. حداقل دورتیس‌جمهور با دو گرایش سیاسی مختلف معتقد بودند ورود ایران به ماجرای سوریه بی‌فایده است، اما حاج‌قاسم استاد تبدیل تهدیدها به فرصت‌های بزرگ بود. «اوضاع به‌قدری تیره‌تار بود که هیچ کشوری نمی‌توانست باصراحت و یا حتی به تلویح و کنایه از دولت سوریه جانب‌داری کند. حتی محافل علنی تصمیم‌گیری در ایران هم تردید داشتند... سوریه مثل بدنی شده بود که غده‌های سرطانی آن را از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب پوشانده بود. در چنین صحنه‌ای احتمال پیش‌بینی و وعده‌دادن پیروزی، سخت بود. به‌همین دلیل هم دولت‌های ما چه در زمان آقای احمدی‌نژاد و چه در زمان آقای روحانی این موضوع را تمام‌شده می‌دانستند.» اوضاع آن‌قدر پیچیده شده بود که کسی نمی‌توانست به‌فرودگاه وارد شود. قاسم ماجرا را این‌طور روایت می‌کند: «فرودگاه دمشق مسدود بود. جاده فرودگاه را با قناصه می‌زدند. اگر بچه‌ها با سرعت زیر ۱۸۰ کیلومتر از جاده رد می‌شدند، تیر می‌خوردند. برای همین بعدها آنجا بلوک بتنی گذاشتند.» مقابله با داعشی‌ها از همان فرودگاه شروع می‌شود. حسین همدانی که از دی‌ماه ۹۰ فرماندهی سپاه را برعهده داشت، پیشنهاد داد خاکریزی برای حفاظت از جاده بزنیم که خیلی مؤثر بود. بعد شروع کردیم قدم، قدم، مخالفان را عقب راندیم. از فرودگاه دمشق وارد شدیم و آنجا را آزاد کردیم و جلو رفتیم. سوریه آخرین و بزرگ‌ترین مأموریت حاج‌قاسم بود.

نگاهی به تمام این مأموریت‌ها یک مانیفست و تصویری کلی از منش حاج‌قاسم ارائه می‌کند. در کار سردار، نشدن و نامنکن بودن معنا نداشت. هرجا که پای منافع نظام و کشور در میان بود، هرطور شده شرایط را برای انجام کار فراهم می‌کرد و البته در این میان درگیر هیچان‌زدگی و احساس هم نمی‌شد و از قضا در دشمن‌شناسی نیز تبحری ویژه داشت.

واکنش دکترولایتی

به اظهارات ترامپ و نتانیاهو

بدون نیاز به هیچ کشوری هسته‌ای را توسعه می‌دهیم

ایران در توسعه توانایی هسته‌ای و موشکی خود به هیچ کمک خارجی‌ای نیاز ندارد. این جمله، چکیده بسست شبکه ایکس دکتر علی‌اکبر ولایتی، مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل در واکنش به نمایش دوفره‌دوئالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی است. دوشنبه‌شب ترامپ در دیدار با نتانیاهو در جمع خبرنگاران مدعی شد در صورتی که ایران بخواهد توانمندی‌های خود در هسته‌ای را بازسازی کند و موشکی را ادامه دهد، اقدام نظامی خواهد کرد. او در پاسخ به اینکه آیا به نتانیاهو اجازه می‌دهد دوباره به ایران حمله کند، ادعا کرد: «برای موشک‌های بالستیک، بله. برای سلاح هسته‌ای، سریع!»

شاید این نمایش خانگی ترامپ برای صهیونیست‌ها و نتانیاهو جذاب بوده باشد؛ اما در واقعیت، اعتراف صریحی است که تجاوز نظامی تیرماه فاقد دستاورد بوده است و این همان دلیلی است که

مستأجران پیشین کاخ سفید به آن آگاه بودند. آنان می‌دانستند حتی اگر تمام تأسیسات هسته‌ای ایران از میان برداشته و یا نابود شود، باز دانشمندان ایرانی می‌توانند آن را از نو بسازند. به همین دلیل

اوباما و بایدن به دنبال توافق بودند که ایران به سمت توسعه فناوری هسته‌ای حرکت نکند.

ایران با اتکا به توانایی بومی در توسعه برنامه موشکی و هسته‌ای، هسر زمان اراده کند از فعالیت در حوزه‌هایی که موردنیاز کشور است، چشم‌پوشی نمی‌کند. بر همین اساس نیز دکتر ولایتی در پستی در شبکه ایکس خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا نوشت که «یقیناً رئیس‌جمهور ایالات متحده می‌داند که جمهوری اسلامی ایران با پشتسترانه یکی از طولانی‌ترین تمدن‌های بشری، اکنون با هدایت رهبری حکیم، شجاع و بزرگ و مردمی مؤمن و مصمم، یکی از کشورهای مقتدر و مستقل جهان است که بدون نیاز به هر نوع کمک خارجی به پیشبرد صلح‌آمیز صنعت هسته‌ای و قدرت دفاعی مشغول شود ادامه خواهد داد و همواره از صلح و ثبات در منطقه حمایت خواهد کرد.» این پست نشان می‌دهد در تهران کسی حاضر نیست برای خطوط‌نشان کشیدن‌های ترامپ، تره خرد کند. ایران برای تقویت بازآرندگی خود لازم است به‌صورت ویژه‌تر از قبل به توسعه برنامه موشکی خود بپردازد و اگر این کار در طول زمان انجام نگرفته بود، جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۴ را نمی‌دید و در همان ۲۳ یا ۲۴ خردادماه، همه چیز به پایان رسیده بود. این موشک‌ها بودند که دستان دشمن صهیونیستی و شبکه حامیان ناتوی‌اش را برای آتش‌بس بالا بردند.



تا طرف غربی را مجاب کند فشار به ایران جواب نداده و باید در مذاکرات با ایران به توافق برسد، چنین راهبردی یعنی روحانی به امید تحقق یک دستاورد در مسال پایانی دولتش، گزاره‌های غلط را در لایحه بودجه که یک موضوع اقتصادی است گنجانده بود و پس از آنکه با انتقادات فنی مجلس مواجه شد رویکرد مقصر یابی در شکست پروژه سیاست خارجی‌اش را در پیش گرفت.

امید به تداوم اقدامات

سه‌شنبه‌شب غلامرضا تاج‌گردون، رئیس کمیسیون تلفیق بودجه در گفت‌وگوی ویژه خبری اعلام کرد: «۱۳ میلیارد دلار فاصله فروش نفت و وصول ما در ۸ ماه اخیر است یعنی ما ۲۱ میلیارد دلار نفت فروختیم و فقط ۱۳ میلیارد دلار وصول شده‌و از این ۱۳ میلیارد دلار وصول، ۱٫۲ میلیارد دلار نیز مربوط به سال گذشته است.» با وجود این مقدار از عدم بازگشت ارز حاصل از فروش نفت، این توقع وجود دارد که وزیر نفت در قبال اقدامات انجام‌شده و همچنین کوتاهی‌های احتمالی، مورد مطالبه و پاسخگویی قرار گیرد. توقع می‌رود دولت خود در چنین مواجهاتی پیش‌قدم شود. همچنین در مواجهه با عدم اثرگذاری ارز ترجیحی اختصاص داده‌شده به نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی نیز وزیر کشاورزی باید از جمله گز نه‌های دیگر باشد که مورد پاسخگویی به مطالبات مردم قرار می‌گیرد. اینکه در چنین شرایطی وزیر کشاورزی در مواجهه با مطالبه کنترل قیمت کالاها در بازار بگوید باید در این موضوع دخالت کند و مسئله را به بازار آزاد سپرد، گزاره مثبتی را برای امیدآفرینی به جامعه منتقل نکرده و در شکل‌گیری نارضایتی اجتماعی مؤثر است.

پزشکیان تاکنون رفتار کاملاً متفاوتی از رئیس‌جمهور اسبق ایران در مواجهه با اعتراضات اجتماعی داشته و توقع می‌رود این اقدامات مقطعی نباشد و همچنان تداوم یابد. مسئولان و وزرای مختلف باید نسبت به عملکرد خود پاسخگو باشند. رفتار متفاوت دولت جدید به مقایسه با گذشته پایه‌ای برای احیای سرمایه اجتماعی است. تداوم این اقدامات ضروری است تا اعتماد عمومی روزبه‌روز افزایش یابد. در دستور کار قرار داد تغییر سایر کارگزاران با عملکرد نامطلوب، موضوعی غیر مرتبط با کاهش التهابات اجتماعی نبوده و همان‌طور که تاکنون مؤثر واقع شده در ادامه هم کاربردی خواهد بود.